

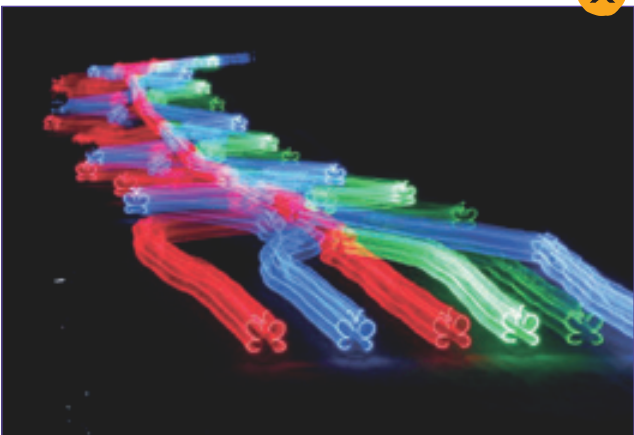


حیوانات خانگی عجیب و غریب تایلندی‌ها در نمایشگاه حیوانات خانگی در «بانکوک»! عکس از آژانس عکس اروپا



درگیری بازیکنان تیم‌های هاکی روی یخ در جریان یک مسابقه در شهر «شیکاگو» در این کشور، عکس از آسوشینتد پرس

اسکی‌بازان یک مدرسه اسکی در «کراستوئارسک» روسیه، با لباس‌هایی به شکل پروانه، اسکی می‌کنند! عکس از خبرگزاری رویترز



دنیا به روایت تصویر

## اسلام شناسی

### ارزش عبادت فکری در اسلام

استاد شهید مرتضی مطهری در باره مفهوم عبادت فکری در اسلام نوشته‌اند: «از نظر اسلام، عبادت منحصر نیست به عبادات بدنی مانند نماز و روزه یا عبادات مالی مانند خمس و زکات؛ نوعی دیگر از عبادت هم هست و آن عبادت فکری است. تفکر یا عبادت فکری، اگر در مسیر تنبّه و بیداری انسان قرار گیرد، از سال‌ها عبادت بدنی برتر و بالاتر است.»

### داستان‌های واقعی

### آب خوردن به قیمت کابل خور دن؟!

سردار علی اصغر گرچی‌زاده، رزمنده دفاع مقدس، در باره روزهای اول اسارت خاطره‌ای خواندنی روایت کرده است: دو ساعت بعد که گرما طویل‌ه را پر کرده بود و به ندرت هوای تازه‌ای وارد می‌شد، سروصدایی از پشت پنجره‌ها بلند شد. پشت طویل‌ه پنجره‌هایی چهار سانتی‌متر در چهل سانتی‌متر بود. عراقی‌ها ظرف‌های آب گرم را آوردند و با صدازدن بچه‌های یکی به آن‌ها آب دادند. زبانم از تشنگی به سقف دهانم چسبیده بود. هر کس که برای آب خوردن می‌رفت، باید سرش را از پنجره بیرون می‌برد. عراقی‌ها اول چند ضربه کابل به سر او می‌زدند و بعد به او آب می‌دادند. بچه‌ها به امید سیراب شدن صف کشیدند... بعضی از بچه‌هایی که آب خورده بودند، با سر خون‌آلود باز می‌گشتند. بچه‌هایی که در صف بودند، با دیدن این صحنه، که در حقیقت تحقیر اسیران بود، قید آب خوردن را زدند. هر چه عراقی‌ها گفتند بعدی... دیگر کسی جلو نرفت. سرباز عراقی از پشت پنجره گفت: «مگر آب نمی‌خواهید؟» یکی از پیرمردها گفت: «نه، آب تحقیر و ذلت نمی‌خواهیم. حاضریم از تشنگی بمیریم ولی این‌طور تحقیر نشویم. این آب گرم هم ارزانی خودتان!» صدای پیرمرد و قدرت کلام او روحیه مرا بالا برد... به بچه‌ها نگاه می‌کردم و لذت می‌بردم. عراقی‌ها چند دقیقه‌ای واکنشی نشان ندادند. وقتی دیدند حرف بچه‌ها یکی است و کسی سراغ آب را نمی‌گیرد، فهمیدند قضیه جدی است... [چند دقیقه بعد وعده دادند که دیگر کسی را نمی‌زنند.] نمی‌شد به حرف عراقی‌ها اعتماد کرد... قرار شد یک نفر پیش‌قدم شود. اگر عراقی‌ها دروغ گفتند، دیگر هیچ‌کس جلو نرود. یکی از بچه‌های اهواز، که قد نسبتاً بلندی داشت، گفت: «من اول می‌روم تا اگر باز کتک‌زدن، من کتک بخورم.» به شجاعتش درود فرستادم. در حالی که استوار به طرف پنجره قدم برمی‌داشت، دعایش کردم. بلند گفت: «بسم الله الرحمن الرحیم.» و سرش را از پنجره بیرون برد. همه منتظر خوردن کابل بر سرش بودیم. ولی این اتفاق نیفتاد. او، بعد از این که آب نوش جان کرد، سرش را داخل آورد و بلند گفت: «السلام علیک یا ابا عبد!... و لعنت!... علی‌زید!»

«زندان الرشید» اثر محمد مهدی بهدروند

### فتونکته

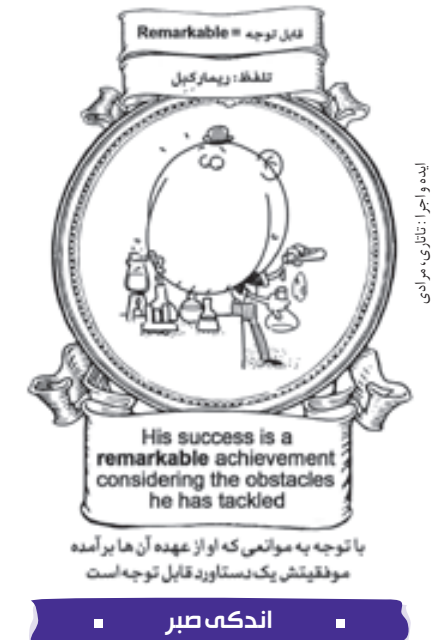


### بریده‌ها

### با قلبت فکر نکن

با دلتنگی‌ات، مرا بی‌تاب نکن؛ و با بی‌تابی‌ات مرا دلتنگ! تو تکیه‌گاه منی. تکیه‌گاه اگر محکم نباشد، تکیه بی‌معنی است. با قلبت احساس کن؛ اما با قلبت فکر نکن. بگذار کمی دیگر هم تحمل کنیم؛ همان‌طور که صدها سال تحمل کرده‌ایم. غذای دیم‌پخته از خام‌بتر است؛ زیرا خام، فریب‌دهی اما نیم‌پخته می‌فریبد پس کمکم کن تا پخته‌تر بازگردم...

### انگلیش آموزی



### با تو بودن

امروز خواستم از یاد ببرم تو را، نگاه به گل‌های داخل کوچه افتاد دیدم زیبایی‌ات فراگیر است چقدر دیر است دگر راه گریزی نیست

مری‌نا زند

### دور دنیا

### استعداد منحصر به فرد!

آدیتی سنترال/ «اریس گریس» دختر شش ساله انگلیسی که به خاطر بیماری اوتیسم مجبور بود در خانه بماند و قادر به صحبت کردن و برقراری ارتباط نبود، حالا با استفاده از استعدادش معروف شده است. او استعداد خارق‌العاده‌ای در نقاشی و ترکیب رنگ‌ها و خلق تابلوهای هنری زیبا دارد. تابلوهای او در سراسر دنیا به فروش رفته و حتی «آجلینا جولی» هنرپیشه معروف هالیوودی به تازگی یکی از تابلوهای او را به قیمت بالای خریداری کرده است.



### پرموت‌ترین خانواده دنیا!

گینس ورلد رکورد/ چهار نفر از اعضای یک خانواده مکزیک‌ای به اختلال عجیب ساذرادی مبتلا هستند که باعث شده است صاحب عنوان پرموت‌ترین خانواده دنیا شوند. خانواده «گومز» از موی زیاد در بدن خود که حتی در صورتشان هم رویده است در عذاب هستند. ۹۸ درصد بدن «لری» پدر این خانواده از مو پوشیده شده است! دانشمندان با بررسی ژن این خانواده، در صدد یافتن راهی برای مبارزه با این بیماری هستند.



### شهری در آسمان

اکسپرس یوکی/ تصویر عجیبی این روزها در توئیتر از نمای آسمان «کالیفرنیا» در آمریکا منتشر شده است که نشان می‌دهد، شهری عجیب و غریب از وسط ابرها نمایان شده است! جالب اینجاست که در ست مشابه همین اتفاق، چند ماه پیش در آسمان چین رخ داد و مردم دقیقاً تصویر شهر آسمانی مشابه همین عکس را ثبت کرده‌اند! با ثبت دوباره این تصویر و این که هنوز هم هیچ دلیل مشخصی برای این پدیده کشف نشده است، گمانه‌زنی‌ها بر وجود موجودات فضایی یا دنیا‌های موازی قوت گرفته است.



### بیشترین‌نی در دهان!

گینس ورلد رکورد/ «سیمون الگور» انگلیسی رکورد نگه داشتن بیشترین نی در دهان را در کتاب رکوردهای گینس ثبت کرد! او که برای ثبت این رکورد ماه‌ها تلاش کرده بود، توانست چهار صد عدد نی پلاستیکی را به مدت ده ثانیه در دهانش نگه دارد و این رکورد عجیب را از آن خودش کند! جالب این جاست که قبل از او هیچ‌کسی حتی به فکرش هم نرسیده بود که این چنین رکوردی را ثبت کند!



فتونقصر

### مسابقه شماره ۵۶

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستند! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه هفتی به قید قرعه برای کسانی واریز می‌شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک‌های رسیده در وب سایت!



÷! $\times$ <



! $\times$ \*|( | }



÷!(-(!=

### ترسانک

### پیام‌گیر

در مسیر برگشت به خانه، مادرم زنگ زد تا بگوید برای انجام کاری بیرون می‌رود و می‌خواست مطمئن شود که کلید همراهم است. جلوی در که رسیدم، لحظه‌ای قبل از کلید انداختن، در باز شد. گفتم: «لایه‌امان بیرون نرفته و منو از پشت آیفون دیده.» همیشه بالا رفتن چند طبقه بدون آسانسور سخت بود. رسیدم بالا و دیدم در آیارتمان باز است. صدا زدم: «امان! امان! خونه‌ای؟» به سراغ تلفن رفتم و دکمه‌اش را فشار دادم تا پیام‌ها را چک کنم. عادت بود. آخرین پیام، صدای مادر بود: «پویا جان پسر، رسیدی خونه به من زنگ بزن. زود برمی‌گردم.» صدای پنجره اتاق آمد که به شدت باز شد و صدای باد در خانه پیچید. به اتاق رفتم و پنجره را بستم. کسی در اتاق نبود. تلفن دوباره شروع کرد: «پویا جان پسر... تا خواستم برگردم به سمت تلفن بروم، صدای تیلیک بسته شدن در اتاق را شنیدم. لحظه‌ای بعد، پیش از آن که برگردم، نفس سردی را از پشت سر حس کردم، جرأت نداشتم برگردم...

### طنزنی تازه

### سوگند با کژتابی!

بسیاری از حيله‌های عرفی و شرعی و سوگند خوردن‌ها یا سوگند شکستن‌ها در طول تاریخ، مبتنی بر کژتابی یا قابلیت کژتابی زبان بوده است... کلام دویلهوی معروفی از علامه محمد قزوینی نقل است، کمابیش به این شرح که کسی کتابی یا دیوان شعری به علامه می‌دهد و از ایشان اظهار نظر و در واقع تقریظ می‌خواهد و علامه را در تنگنای رودریاستی قرار می‌دهد. علامه در مخمصه غریبی گیر کرده بوده است، از یک طرف کتاب بی‌ارزش و باطل بوده است، از طرف دیگر مؤلف دست از سر علامه بر نمی‌داشته است و تقاضای تقریظ و تعریف داشته است، سرانجام شادروان قزوینی چاره را در دویلهو گویی می‌یابد و می‌نویسد: «بینی و بین... از صدر اسلام تا کنون چنین کتابی نوشته نشده است!»

«کژتابی‌های سخن و زبان» اثر بهاءالدین خرماهی

### نقدی بر پاسخ‌دهی خودمون!

سلام. بارها پرسیدین که مسابقه‌خفن استرپ دقیقاً چه روزایی چاپ می‌شه. ما هم معمولاً در پاسخ این سوالتون: «یا «سکوت منادار» کردیم که مثلاً بگیم خیلی حالیمونه!» (در حالی که اصلاً از این خبرا نیست! خودمون هم معنی سکوت مون رو نفهمیدیم!) خب وقتی خبر نداریم خفن استرپ چه روزایی چاپ می‌شه چی بگیم؟! «یا عاقل مون رو جمع کردیم و در قالب جمله‌ای با کلاس بهتون گفتیم: «قرار غیر رسمی ما دوشنبه‌ها و پنجشنبه‌هاست!!» که عمراً خودمونم نفهمیدیم منظورمون از این جمله مون چیه؟! واقعا مخاطب باید با این جمله چی متوجه‌شه؟! این جمله یعنی: اگه اتفاق خاصی نیفته دوشنبه‌ها و پنجشنبه‌ها هستیم! و اگه اتفاق خاصی بیفته امروز نیستیم! البته روزای دیگه هفته هم شاید باشیم، و شاید نباشیم!! فعلاً!

### دیروزنامه

### بیزهای باجنبه ایرانی

اگر یک روز خبر عجیب و غریبی نشنویم، آن روزمان شب نمی‌شود. بعد از خبر پیدا شدن یک تکه پلاستیک ناقابل در یک شکلات خارجی که به جمع‌آوری تمام محصولات آن کارخانه توسط خود کارخانه از ۵۵ کشور جهان منجر شد و ما فهمیدیم خارجی‌ها چقدر سوسول و بی‌جنبه هستند که برای چنین چیز بی‌اهمیتی این کارها را می‌کنند، خبر اعجاب‌آور دیگر تیراندازی با تفنگ ساچمه‌ای به امیرحسین صادقی در تمرین تیم صبا بود!

خارجی‌ها باید بیایند جنبه و سعه صدر را از ما یاد بگیرند. طرف تیر خورده، نه تنها ناراحت نشده که حتی باز هم تمرینش را ادامه داده و در مسابقه هم حاضر شده است. بماند که اصلاً جریان تیراندازی چه بوده و ضارب با این سوءفقدش چه هدفی را دنبال می‌کرده. مثلاً از تیم رقیب بوده و می‌خواسته مهره کلیدی تیم را زمین‌گیر کند، که بعد به نظر می‌رسد. ما در فوتبال با کمان اصلاً از این مسائل نداریم، نه امکان ندارد، تصورش هم زشت است! یا از هواداران دواوشه امیرحسین بوده و می‌خواسته زخمی‌اش کند و بعد اسیرش کند و به خانه ببرد تا برای همیشه پیش خودش بماند و دست طرفداران دیگرش بهش نرسد.

یا شکارچی بوده و از بس به فوتبالیست‌ها گفتمیم «بوزپلنگ‌های ایرانی» فکر کرده صادقی هم یک نمونه یوز نادر است و خواسته شکارش کند! البته تیر هم تیرهای قدیم که برای شکار و جنگ استفاده می‌شدند، نه این که به طرف بخورد و مایه خنده و شوخی شود!

علیرضا کاردار

### باس ماس



ایده و اثر: انیساری مرادی

### ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

\* یادآونونه اون موقع‌ها وقتی مدادمون رو به یکی از همکلاسایمون قرض می‌دادیم، هم‌اش حواسمون بود مدامون رو تراش نکنه که کوچیک شه؟

احمد آقاوغلی، فوجان

\* سرگذشت پهلوانانی که در «زندگی سلام» چاپ شده بود خیلی زیبا بود. من هم همیشه تا جایی که بتونم کمک کردم. اما الان حدود یک ساله بیکارم و فقط از بیمه بیکاری استفاده می‌کنم. ولی به خدا خیلی امید دارم.

\* عکس چنین‌های بز کوهی در صفحه اول «زندگی سلام» خیلی تکان‌دهنده بود.

\* یادش بخیر به زمانی توی مدرسه با دوستمون هماهنگ

می‌کردیم که تو اجازه بگیر برو بیرون، منم ۲ دقیقه دیگه

میام! بعد معلم می‌گفت صبر کن تا دوستت بیاد بعد برو!

\* تشکر از روزنامه «خراسان» و نویسنده صفحه «زندگی سلام» دبیروز که مطلب بسیار کامل و جامعی در خصوص شغل محیط‌بانانی نوشته بودند.

\* یگم نمک مطالب همشهری سلام رو بیشتر کنین تا مخاطبان تون رو از دست نداین.

